

ORIGINAL ARTICLE

“Struck in Deh Dasht”, An Introduction to Safavid Coins Newly Discovered from the Abandoned Mint of Kohgiluyeh Region

Seyed Reza Hosseini

Ph.D Student of History of Iran
(Islamic Period), Kharazmi
University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Seyed Reza Hosseini
Email: seyedrezahosseini@khu.ac.ir

Received: 30 Jan 2025
Accepted: 01 Apr 2025

How to cite

Hosseini, S.R. (2024). “Struck in Deh Dasht”, An Introduction to Safavid Coins Newly Discovered from the Abandoned Mint of Kohgiluyeh Region. Iran Local Histories, 13(1), 137-150.
(DOI: [10.30473/lhst.2025.73254.2964](https://doi.org/10.30473/lhst.2025.73254.2964))

ABSTRACT

As the most prominent city in the Kohgiluyeh region (located in southwestern Iran), “Deh Dasht” has always maintained a geographical and historical connection with the southeastern parts of Khuzestan (particularly the city of Behbahan), throughout its centuries-long history. Despite Deh Dasht’s strategic importance and its decisive role in certain political developments in southwestern Iran in recent centuries, no dedicated research has been conducted on its coinage history and there is no reference to the activity of Deh Dasht Mint during the Islamic era in most numismatic sources. However, 9 extremely rare coins from the mentioned mint were recently discovered, all dating back to the first half of the “Safavid Era” (AH 907–1135), and introduced by a specialized website. This author seeks to adopt a descriptive-analytical approach to introduce these coins and elucidate their main characteristics to highlight the significance of Deh Dasht Mint and the reasons for its operation during part of the tenth century AH. According to our findings, the mentioned coins are silver, weighing approximately one mithqal, with a nominal value of “Two Shahies” (= one Mahmudi), and were minted in AH 949, coinciding with the mid-reign of “Shah Tahmasp I”. Historical evidence suggests that these coins were produced around the time of the quashing of the Then-Governor of Dezful when Safavid troops were deployed near Kohgiluyeh. As the principal city of the region, Deh Dasht was an optimal location for establishing a temporary mint to supply part of the monetary needs of the King’s army. Consequently, a number of highest-value silver Safavid coins were struck in the township of Kohgiluyeh. The inscriptions on these coins, written in Naskh script, include “The name of the Reigning King,” “The names of the Imams” (Peace be upon them), and the “Triple Shahada” (testimonies) or solely “Ali Wali Allah”. Thus, in addition to their monetary function, these coins also served to announce the reassertion of Safavid Shiite Sovereignty over the southwestern regions of Iran.

KEY WORDS

Coin, Deh Dasht, Shah Tahmasp I, Kohgiluyeh, Triple Shahada.



«مقاله پژوهشی»

«ضرب دزدان»؛ معرفی مسکوکات صفوی نویافته‌ای از ضرابخانه مهجور ناحیه کهگیلویه

سید رضا حسینی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

سید رضا حسینی

رایانامه: seyedrezahosseini@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲

استناد به این مقاله:

حسینی، سید رضا (۱۴۰۳). «ضرب دزدان»؛ معرفی مسکوکات صفوی نویافته‌ای از ضرابخانه مهجور ناحیه کهگیلویه. فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۳(۱)، ۱۵۰-۱۳۷.

(DOI:10.30473/lhst.2025.73254.2964)

چکیده

«دزدان»، شاخص‌ترین شهر ناحیه کهگیلویه (واقع در جنوب غربی ایران) می‌باشد که طی حیات چندصدساله خود، همواره دارای پیوستگی جغرافیایی و پیوند تاریخی عمیقی با جنوب شرقی خطه خوزستان (خصوصاً شهر بهبهان) بوده است. علی‌رغم اهمیت راهبردی دزدان و نقش تعیین‌کننده‌ای که این شهر در برخی تحولات سیاسی جنوب غربی ایران طی قرون اخیر داشته، هنوز تتبع خاصی در باب تاریخ سکه‌زنی آن، توسط پژوهشگران صورت نگرفته است؛ چنانکه در اکثر قریب به اتفاق منابع سکه‌شناسی، هیچگونه اشاره‌ای به فعالیت ضرابخانه دزدان طی دوران اسلامی نشده است؛ لیکن چندی پیش، ۹ قطعه مسکوک بسیار نادر از دارالضرب مذکور یافته و توسط یک وبگاه تخصصی معرفی گردیده‌اند که همگی متعلق به نیمه نخست «عصر صفویه» (۹۰۷-۱۱۳۵ ق) هستند. نگارنده پژوهش حاضر، مصمم می‌باشد تا به روش توصیفی-تحلیلی، با معرفی سکه‌های مذکور و تبیین اصلی‌ترین ویژگیهای آنها، اهمیت ضرابخانه دزدان و دلایل فعالیتش طی بخشی از سده دهم هجری قمری را روشن نماید. یافته‌های ما بیانگر آن است که مسکوکات نامبرده، از جنس نقره، به وزن حدوداً یک مثقال، با ارزش اسمی «دو شاهی» (= یک محمودی) و مضروب در سنه ۹۴۹ ق یعنی مقارن با اواسط دوران سلطنت «شاه طهماسب اول» می‌باشند. شواهد تاریخی، مبین تولید سکه‌های فوق در حوالی زمان سرکوب والی وقت دزفول و مقارن با حضور لشکریان شهریار صفوی در نزدیکی کهگیلویه است؛ لذا دزدان به‌عنوان اصلی‌ترین شهر ناحیه مزبور، بهترین گزینه برای استقرار ضرابخانه‌ای موقت به‌منظور تأمین بخشی از نفوذ مورد نیاز سپاهیان شاه بوده است؛ بنابراین شماری مسکوک سیمین صفوی با درشت‌ترین بهای رایج، در قصبه کهگیلویه ضرب گردیده‌اند که مندرجات جمیع آنها به خط نسخ و شامل «نام سلطان وقت»، «اسامی ائمه اطهار» (علیهم‌السلام) و «شهادت ثلاثه» یا صرفاً «علی ولی الله» بوده است تا سکه‌های مذکور علاوه بر کارکرد پولی خود، خبر اعاده حاکمیت سلسله شیعی صفویه بر صفحات جنوب غربی ایران را نیز به اطلاع عموم برسانند.

واژه‌های کلیدی

سکه، دزدان، شاه طهماسب اول، کهگیلویه، شهادت ثلاثه.

مقدمه

«کهگیلویه و بویراحمد»، استان کوچکی واقع در جنوب غربی ایران و مابین استانهای چهارمحال و بختیاری، اصفهان، فارس، بوشهر و خوزستان است که با وسعتی معادل ۱۵۵۰۴ کیلومترمربع (بختیاری، ۱۳۹۲: ۴۳)، تقریباً یک درصد از مساحت کشور را تشکیل می‌دهد. استان مزبور چنانکه از نامش پیداست، شامل دو بخش اصلی می‌باشد: نخست، «کهگیلویه» (با املای تاریخی «کوه گیلویه») که تا حدود یک قرن پیش، از مضافات شرقی خطه کهن خوزستان بوده و دوم، «بویراحمد» که در طول تاریخ خود، معمولاً به‌عنوان منتهی‌الیه غربی ولایت باستانی فارس شناخته می‌شده است. شایان ذکر می‌باشد که مرکز استان نامبرده از بدو تأسیس تاکنون، «یاسوج» (مهمترین شهر ناحیه بویراحمد) است که تقریباً ۷۵۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد (سحاب، ۱۳۸۴: ۴۴).

کهگیلویه در طول تاریخ خود، همواره یکی از نواحی بسیار راهبردی در جنوب غربی ایران بوده است؛ چنانکه نه‌تنها از روزگاران کهن به‌عنوان پل ارتباطی میان دو ولایت پهناور فارس و خوزستان شناخته می‌شده، بلکه حتی طی دوران کنونی نیز به دلیل برخورداری از مراتع گسترده (لشگرآرا و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۸) و رودهای فصلی و دائمی متعدد، سرزمین پربراری محسوب می‌گردد. به‌علاوه، «جراحی» که یکی از بزرگترین رودخانه‌های داخلی ایران و منبع آبی عظیمی برای جنوب خطه خوزستان می‌باشد، از ارتفاعات بویراحمد سرچشمه گرفته و بخش مهمی از مسیر خود را در کهگیلویه می‌پیماید (جعفری، ۱۳۸۴: ج ۲، ۱۶۷-۱۶۶). ناگفته نماند که یکی از بارزترین ویژگیهای طبیعی ناحیه مزبور، تنوع اقلیمی موجود در آن است (روشنفکر و معینی رودبالی، ۱۳۹۹: ۷۹)؛ خصوصیت مهمی که از دیرباز، کهگیلویه را به دو بخش متمایز تقسیم نموده است: «سردسیری» در جانب شمال و شرق و «گرمسیری» در طرف جنوب و غرب (رزم‌آرا، ۱۳۲۳: ۱۲۳ / افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۱۲۶).

یقیناً بایستی عصر صفویه را به‌عنوان دوران اوج اعتلای کهگیلویه و خصوصاً قصبه آن یعنی «دهدشت» معرفی نمود؛ چنانکه بسیاری از تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان سده‌های اخیر، بدین نکته اذعان داشته‌اند. «هاینتس گائوبه»^۱ (ایران‌شناس و تاریخ‌پژوه معاصر آلمانی)، ددهشت را در دوران فرمانروایی «شاه محمد خدابنده» (چهارمین شهریار سلسله صفوی؛ حک: ۹۸۵-۹۹۶ ق)، مقرر فرمانداری کهگیلویه دانسته است (گائوبه، ۱۳۵۹: ۱۵۳)؛ صد البته که این معنی، از برخی منابع دست‌اول

عصر صفویه، به‌وضوح مستفاد می‌گردد؛ مثلاً «اسکندریگ منشی ترکمان» (مورخ نامدار سده یازدهم هجری قمری)، از ددهشت به‌عنوان حاکم‌نشین کهگیلویه یاد نموده (منشی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۲۰) و «واله اصفهانی» (تاریخ‌نگار کمتر شناخته‌شده اواسط عهد صفوی) در بیان وقایع اواخر قرن دهم هجری قمری، ددهشت را دارالملک وقت کهگیلویه دانسته است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۱). این در حالی می‌باشد که شهر مزبور، جایگاه ویژه خود را تا دوران معاصر نیز کم‌وبیش محفوظ داشته است. «بهمن کریمی» (جغرافی‌پژوه معاصر)، خطه کهگیلویه را در اوایل دوره پهلوی، مشتمل بر سه ناحیه دانسته که یکی از آنها، ددهشت بوده است (کریمی، ۱۳۱۶: ۱۸۷). گفتنی می‌باشد که بنابر تقسیمات کشوری مصوب در سال ۱۳۱۶ ش، ددهشت به‌عنوان یکی از توابع شهرستان بهبهان، در «استان ششم ایران» (تقریباً منطبق بر استانهای کنونی خوزستان و لرستان) قرار گرفت (رزم‌آرا، ۱۳۳۰: ج ۶، ۱۷۵).

کهگیلویه طی نیمه نخست دوران حکومت صفویان، یکی از مساکن عمده ایل بزرگ و پراکنده افشار در ایران بوده است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۷۹۰ و ۸۱۴). برخی پژوهشگران معتقدند که سکونت ایل مزبور در کهگیلویه، احتمالاً از عصر سلجوقی آغاز گردیده است (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۰۶)؛ لیکن از اوایل دوره صفویه بود که تیره‌های افشاری ساکن در این ناحیه، مبدل به بازیگرانی مهم در عرصه سیاسی-نظامی کشور شدند؛ چنانکه «شاه طهماسب اول» (دومین شهریار سلسله صفوی؛ حک: ۹۸۴-۹۳۰ ق) در تذکراهی که به‌واقع زندگی‌نامه خودنوشت وی محسوب می‌گردد، تصریح نموده است که طی یکی از صف‌آراییهای نظامی ایران در برابر امپراتوری عثمانی، حاکم وقت کهگیلویه (محمودخان) همراه با سه‌هزار نفر از افشاریان، به قشون شاه در نزدیکی تبریز پیوسته‌اند (طهماسب صفوی، ۱۳۴۳ ق: ۵۳).

افزون بر آنچه‌تقریر گردید، ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که کهگیلویه در اواسط عصر صفویه، یکی از سیزده ولایت بیگلریگی‌نشین ایران بود (فلسفی، ۱۳۴۷: ج ۲، ۳۹۷). گفته شده که حکومت ناحیه مذکور، به مدت حدوداً هفتاد سال و تا اوایل سده یازدهم هجری قمری، در اختیار سران ایل افشار بوده است (تقوی مقدم، ۱۳۷۷: ۵۰).

بی‌شک، یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه قرارگرفته تاریخ کهگیلویه، پیشینه سکه‌زنی در آن می‌باشد؛ بر همین اساس و نظر به اینکه اخیراً مشخصات اجمالی شماری از مسکوکات صفوی مضروب

در ده‌دشت توسط وبگاهی تخصصی ارائه گردیده است، بر آن شدم تا سکه‌های مزبور را به‌صورتی دقیق‌تر و با ذکر جزئیاتی فزون‌تر معرفی نمایم تا از این رهگذر، قادر به تبیین دلایل تأسیس و فعالیت محدود یکی از مهجورترین ضرابخانه‌های عصر صفویه باشیم.

طغیان والی دزفول علیه شاه طهماسب اول صفوی: زمینه‌ساز شکل‌گیری ضرابخانه ده‌دشت

طی سنوات میانی قرن دهم هجری قمری، وقوع یک رخداد سیاسی-نظامی مهم موجب می‌شود تا دومین فرمانروای صفوی و لشکریانش، راهی مناطق جنوب‌غربی ایران (واقع در نزدیکی ناحیه کهگیلویه) گردند؛ توضیح اینکه، «حسن بیگ روملو» (مورخ برجسته نیمه نخست عصر صفویه) خاطرنشان نموده که در سنه ۹۴۸ ق، شاه طهماسب اول با هدف سرکوب‌نمودن والی دزفول به نام «علاءالدوله» که علم طغیان برافراشته بود، دستور به گردآوری سپاهیان داد و سپس خود در رأس لشکری نیرومند، عازم خطه خوزستان شد. بنابر گزارش روملو، والی شورشگر که تاب مقاومت در برابر قشون شاه را نداشت، به بغداد گریخت (روملو، ۱۳۵۷: ۳۸۸). این رویداد تاریخی، از اهمیت بسیار خاصی برای ما برخوردار است؛ زیرا می‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین علت شکل‌گیری ضرابخانه‌ای در ناحیه کهگیلویه و تولید شماری مسکوک سیمین در ده‌دشت مطرح گردد. به بیانی دیگر، چه‌بسا عطف توجه شاه و ملازمانش به قصبات واقع در پیرامون خوزستان و یا حتی عبور برخی واحدهای لشکر صفوی از حوالی کهگیلویه، اندیشه تأسیس ضرابخانه را به اذهان حکام محلی این ناحیه متبادر نموده باشد؛ به‌ویژه اینکه، معمولاً با حضور سپاهیان حکومت مرکزی در یک موضع جغرافیایی، نیاز قابل‌ملاحظه‌ای به نقود سیمین و یا حتی زرین (برای پرداخت مواجب افراد قشون، خرید مایحتاج لشکریان و ...) ایجاد می‌شده است. علی‌ای‌حال، بسیار بعید به نظر می‌رسد که شکل‌گیری ضرابخانه و آغاز سکه‌زنی در ده‌دشت به سال ۹۴۹ ق، بی‌ارتباط با استقرار موقت شهریار صفوی و همراهانش در خوزستان (بنابر ادعای روملو، طی سنه ۹۴۸ ق) بوده باشد؛ زیرا تاکنون هیچ شواهدی مبنی بر ضرب مسکوکات شاه طهماسب اول در شهر مزبور پیش از سال ۹۴۹ ق، به دست نیامده است.

اما مطلب تأمل‌برانگیز اینکه، «عبدی بیگ شیرازی» به‌عنوان یکی از مهمترین مورخان سده دهم هجری قمری (معاصر با شاه طهماسب اول)، صراحتاً سال لشکرکشی شهریار صفوی به جانب دزفول را ۹۴۹ ق ذکر نموده (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۴۳) که این نکته،

یقیناً فرضیه «تأسیس ضرابخانه ده‌دشت، متأثر از حضور شاه طهماسب و سپاهیان در خوزستان» را تقویت می‌نماید؛ خصوصاً اینکه «میرزا حسن حسینی فسایی» (مورخ نامی جنوب ایران طی اواسط عصر قاجاریه) نیز به‌عنوان یکی از مطلع‌ترین افراد از تاریخ ولایت فارس، دیدگاهی موافق با عبدی بیگ داشته و واقعه سرکوب والی دزفول توسط سلطان صفوی را مربوط به سنه ۹۴۹ ق (دقیقاً مطابق با زمان ضرب سکه‌های یافته‌شده از ده‌دشت) دانسته است؛ وی در این باره تقریر می‌دارد:

«میر علاءالدوله عباسی والی دزفول، سر از کمند اطاعت کشیده، بنای آزار همسایگان را گذاشته بود، پادشاه عدالت‌اکتناه [طهماسب اول صفوی]، رایت جلال را به صوب خوزستان برافراخت و ابراهیم‌خان والی شیراز را با سپاه فارس احضار فرمود، ابراهیم‌خان از راه شولستان و بهبهان به اردوی اعلی ملحق گردید و علاءالدوله عباسی به جانب بغداد فرار نمود و ابراهیم‌خان برای تاخت و تاراج اعراب آن نواحی، مأمور گردیده آنها را گوشمالی لایق داده، عود [بازگشت] نمود» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۹۶).

فارغ از اینکه مورخ مذکور (سال ۹۴۹ ق) صحیح باشد و یا خیر، آنچه از گزارش حسینی فسایی برای ما حائز اهمیت شایانی بوده، اشاره وی به عبور «ابراهیم‌خان» (والی وقت شیراز) از بهبهان، برای پیوستن به لشکریان شاه طهماسب اول است؛ زیرا بهبهان، دارای پیوستگی جغرافیایی و پیوند تاریخی بسیار عمیقی با ده‌دشت می‌باشد؛ چنانکه خود حسینی فسایی در بیان وقایع سنه ۱۱۳۶ ق می‌نگارد:

«شاه محمود افغان با سی هزار نفر سپاه به جانب کوه‌گیلویه و بهبهان تاخت و ایلات آن نواحی در همه‌جا از کناره سپاه افغان درآمده، جماعتی را می‌کشتند و اهل ده‌دشت که قصبه کوه‌گیلویه است، فرار کرده، وارد بهبهان که [واقع در] هشت فرسخی ده‌دشت است گشته، در حصار بهبهان محصور شدند و محمود از پشت کوه و ده‌دشت گذشته، چند ماهی شهر بهبهان را محاصره نمود ...» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۵۰۳).

نکته جالب اینکه «فرست شیرازی» (ادیب و جغرافی‌نویس سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری) به‌عنوان یکی از مهمترین فارس‌شناسان معاصر با حسینی فسایی، صراحتاً بهبهان را در اواسط عصر قاجاریه، دارالحکومه کهگیلویه دانسته است (فرست شیرازی، ۱۳۱۴ ق: ۴۱۰). افزون بر آن، «محمدتقی‌خان حکیم» (محقق و جغرافی‌پژوه نامدار دوران ناصری) در کتاب مرجع «گنج دانش»، علی‌رغم اینکه به دارالحکومه بودن بهبهان اشاره ننموده، لیکن شهر مزبور را به‌عنوان یکی از توابع کهگیلویه معرفی کرده است:

«شهر حالیه بهبهان، در بهترین دره‌های فارس واقع شده؛ جزو ایالت کوه‌گیلویه [کهگیلویه] محسوب می‌شود» (حکیم، ۱۳۶۶: ۳۰۴).

بر اساس تقریرات فوق، چنین احتمالی قوت می‌گیرد که سپاهیان فارس به فرماندهی ابراهیم‌خان، چه در هنگام رفتن به دزفول و چه در زمان بازگشتن به شیراز (از مسیر بهبهان)، ضرابخانه ده‌دشت را دایر و شماری مسکوک سیمین را در آن تولید نموده باشند؛ خصوصاً اینکه بنابر توضیحات حسینی فسایی، والی شیراز از جانب شاه مأموریت داشته تا عربهای نواحی جنوب‌غربی ایران را نیز سرکوب نماید و طبعاً برای انجام فرمان مذکور، بایستی مدتی در خوزستان و چه‌بسا قصبات پیرامون آن مستقر بوده باشد؛ بنابراین، حتی اگر عملیات نظامی شاه و قوای تحت امرش در خوزستان به سال ۹۴۸ ق آغاز شده باشد، قاعدتاً نمی‌توان استمرار آن تا سنه بعدی را ناممکن دانست؛ لذا همچنان قادر به بیان این ادعا هستیم که ضرب مسکوکات سیمین در ده‌دشت، احتمالاً به‌منظور تأمین نقدینگی مورد نیاز قشون ابراهیم‌خان بوده است. البته نایبستی از این نکته غفلت نمود که «غفاری قزوینی» (مورخ سده دهم هجری قمری) نیز هم‌رأی با عبدی‌بیگ بوده و عزیمت شاه طهماسب به سوی خوزستان را مقارن با پاییز سال ۹۴۹ ق دانسته (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۹۵)؛ هرچند که از بیان کم‌وکیف دقیق واقعه و حتی بردن نام علاءالدوله (والی دزفول)، استتکاف ورزیده است. اما مطلب جالب‌تر اینکه «حسینی استرآبادی» (تاریخ‌نگار اواخر عصر صفویه)، به‌قدری ایجاز‌گویی نموده که حتی علت حضور شهریار ایران در دزفول را نیز مطلقاً ذکر نکرده و فقط زمان رخداد مزبور را پاییز سنه ۹۴۹ ق دانسته و اظهار داشته که شاه صفوی، حکومت آن حدود (دزفول و حوالی‌اش) را به «ابوالفتح سلطان افشار» واگذار نموده است (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۶۹). ناگفته نماند که «محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه» (مورخ درباری سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری) به‌عنوان مهمترین تاریخ‌نگار معاصر با حسینی فسایی، زمان لشکرکشی شاه طهماسب به جانب دزفول را همچون روملو، سال ۹۴۸ ق دانسته و البته کیفیت ماوقع را اینچنین ذکر نموده است:

«چون علاءالدوله رعناشی حاکم دزفول از راه اطاعت و انقیاد شاه طهماسب خارج گردیده [بود]، موکب شاهی با سپاهی فراوان به طرف دزفول حرکت نموده، چون به حدود خرم‌آباد رسید، جهانگیر حاکم لر کوچک به اردوی شاه طهماسب پیوست و علاءالدوله

رعناشی [چونکه] از نزدیک‌شدن قشون پادشاه و کثرت عدد و استعداد آنها آگاه گشته، مجال و امکان مقاومت در خود ندیده، به طرف بغداد گریخت. شاه طهماسب به‌ظاهر دزفول آمده، رعایا موکب او را استقبال کردند و شهر را تسلیم نمودند و حکومت دزفول از جانب شاه طهماسب به حیدرقلی سلطان افشار تفویض شد و در این حال، سید سجاد ابن بدران مشعشی حاکم حویزه به خدمت شاه طهماسب آمده، اظهار عبودیت کرد و باز به حکومت ولایت خود برقرار آمد. بعد از تنسیق امور خوزستان، شاه طهماسب معاودت به قم نمود و در این شهر قشلاق کرد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ج ۲، ۷۹۶-۷۹۷).

همان‌طور که از نص گزارش اعتمادالسلطنه پیداست، شاه طهماسب و ملازمانش، حداقل چند صبحی در خوزستان اقامت داشته و سپس با برقراری امنیت لازم و تثبیت مجدد حاکمیت صفویه در این خطه، رهسپار نیمه شمالی ایران شده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت ضرابخانه ده‌دشت، قاعدتاً بایستی به‌منظور تأمین بخشی از نقدینگی مورد احتیاج قشون شاه بوده باشد و به همین جهت، احتمالاً با خاتمه‌یافتن عملیات نظامی شاه و استقرار مجدد آرامش در صفحات جنوب‌غربی کشور توسط سپاهیان تحت امر ابراهیم‌خان (والی شیراز)، دیگر نیاز چندانی به تداوم تولید مسکوکات در ده‌دشت نبوده و چه‌بسا ضرابخانه قصبه کهگیلویه، خیلی زود به فعالیت خود پایان داده باشد؛ چنانکه به نظر می‌رسد نایابی سکه‌های مضروب در ده‌دشت، مؤید همین واقعیت و یا به عبارتی دیگر، نشانگر تولید محدود و موقتی مسکوکات صفوی در ناحیه کهگیلویه باشد.

دارالضرب قصبه کهگیلویه: حقیقتی مغفول در مطالعات

سکه‌شناسی عصر صفویه

این نکته‌ای تأسفبار، اما غیرقابل‌انکار می‌باشد که دارالضربهای تاریخی واقع در جنوب‌غربی ایران، معمولاً مورد بی‌مهری سکه‌شناسان داخلی هستند و اغلب ایشان، اهتمام چندانی به تحقیق و تتبع درباره آنها ندارند. صدالبته که ناحیه کهگیلویه نیز از قاعده فوق مستثنی نبوده و تاکنون پژوهش جامعی در راستای شناخت تاریخ سکه‌زنی آن به انجام نرسیده است. مع‌هذا برخی گمانه‌زنیها، حاکی از امکان فعالیت ضرابخانه‌ای در کهگیلویه طی اواخر قرن نهم هجری قمری و اندکی پیش از استقرار حاکمیت صفویان می‌باشد؛ چنانکه وبگاه تخصصی «سکه‌های کمیاب استغن آلبوم»^۱ در اوایل

مضروب به سال ۸۹۹ ق در کهگیلویه است (بنگرید به تصویر ۱)؛ لیکن محل ضرب مسکوک نامبرده که «کوه‌گیلویه» قرائت شده، تاحدی محل تردید نگارنده پژوهش حاضر می‌باشد و لذا فی‌الحال، قادر به بیان دیدگاه قاطعانه‌ای درباره آن نیستیم.

سال ۲۰۲۴ م، مسکوک سیمینی از «سلطان رستم آق‌قویونلو» که حکومتش حدفاصل ۸۹۷ (لین‌پول، ۱۳۶۳: ۲۲۷ / زامبور، ۱۳۵۶: ۳۸۴) و یا ۸۹۸ تا ۹۰۲ ق بوده (باسورث، ۱۳۷۱: ۲۵۲) را به حراج گذاشت که بنابر ادعای کارشناسان این مؤسسه معتبر سکه‌شناسی،



تصویر ۱. سکه نقره یک تنکای سلطان رستم آق‌قویونلو به وزن ۵/۱۳ گرم؛ بنابر ادعای کارشناسان وبگاه تخصصی «سکه‌های کمیاب استغن‌آلبوم»، مضروب در کهگیلویه به سال ۸۹۹ ق (سورشارژ شده بر مسکوکی از سلطان اوزون حسن آق‌قویونلو)
(https://www.sarc.auction/AQ-QOYUNLU-Rustam-1492-1497-AR-tanka-5-13g-Kuhgiluya-Kohgiluyeh-AH899_i51849040)

دارالضربهای ایران طی عصر صفویه را ذکر نموده است (عقیلی، ۱۳۷۷: ۴۲۱) که نام ده‌دشت و نیز هیچ‌کدام از سایر نقاط کهگیلویه، در میان آنها دیده نمی‌شود. ناگفته نماند که «صدیقه فروغیان» (سکه‌شناس معاصر) در کتابی که به‌منظور معرفی شماری از مسکوکات موجود در گنجینه «موزه سکه بانک سپه» تألیف نموده، شمار ضربخانه‌های ایران در عصر صفویه را ۶۷ فقره دانسته (فروغیان، ۱۳۹۵: ۲۸۱)؛ لیکن اسامی یکایک آنها را ذکر نکرده و صرفاً به شناساندن چند مصداق معبود، اکتفا نموده است.

اما برخلاف منابع داخلی سکه‌شناسی که معمولاً هیچ اشاره‌ای به ضرب مسکوکات در کهگیلویه نمی‌نمایند، اندک مراجع تخصصی خارجی وجود دارند که صراحتاً از فعالیت ضربخانه مهجور این ناحیه طی اواسط عصر صفویه، سخن به میان آورده‌اند؛ به‌طور مثال، در کتاب «کاتالوگ استاندارد سکه‌های جهان از ۱۶۰۱ تا ۱۷۰۰ میلادی» که اثر جامع و معتبری به تدوین شماری از سکه‌شناسان مشهور غربی بوده

شواهد متقن سکه‌شناسی، بیانگر تکرر ضربخانه‌های کشور در عصر صفویه می‌باشند؛ چنانکه برخی کارشناسان مدعی هستند که طی این دوران، تقریباً یکصد ضربخانه در شهرهای مختلف ایران وجود داشته‌اند (راهنمای موزه بانک سپه، ۱۳۵۰: ۳۸)؛ مع‌هذا، «سید جمال ترابی طباطبائی» (سکه‌شناس معاصر) در کتاب مشهور خویش به نام «سکه‌های شاهان اسلامی ایران»، صرفاً ۲۲ موضع جغرافیایی ایران را که طی دوران سلطنت صفویان دارای ضربخانه بوده‌اند، به مخاطبان خود شناسانده است (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۰: مقدمه، الف-ط و الف-ظ) که نه تنها هیچ‌کدام از آنها در ناحیه کهگیلویه واقع نشده‌اند، بلکه به‌استثنای «رامهرمز»، الباقی حتی در پیرامون و یا نزدیکی ده‌دشت نیز قرار ندارند. افزون بر آن، «عبدالله عقیلی» (سکه‌پژوه معاصر) که در کتاب خود با عنوان «دارالضربهای ایران در دوره اسلامی»، بیش از تمامی محققان داخلی به بررسی فعالیت ضربخانه‌های کشورمان طی سده‌های اخیر پرداخته، اسامی ۷۸ مورد از

اینترنتی سکه‌شناسی نیز (به نقل از وبگاه مذکور) معرفی می‌گردند؛ چنانکه تصویر و مشخصات حداقل یکی از همین مسکوکات متعلق به دَه‌دشت، در تارنمای مشهور و پربازدید «numisbids.com» که از جمله جامع‌ترین و معتبرترین وبگاه‌های تخصصی سکه‌شناسی در جهان می‌باشد نیز به ثبت رسیده است (<https://www.numisbids.com/n.php?p=lot&sid=5881&lot=205>).

بیان این مطلب را ضروری می‌دانیم که کارشناسان پایگاه اینترنتی pashizcoins.com، بهای اسمی سکه‌های مورد بحث را که همگی آنها تقریباً ۴/۵ گرم وزن دارند، «یک‌شاهی» (برابر با ۵۰ دینار) تصور نموده‌اند (https://www.pashizcoins.com/?s=deh+dasht&post_type=product)؛ لیکن با توجه به شواهد سکه‌شناختی، بایستی دیدگاه مزبور را کاملاً نادرست دانست؛ زیرا «هوشنگ فرحبخش» (سکه‌شناس معاصر) به‌عنوان یکی از معتبرترین پژوهشگران تاریخ سکه‌زنی ایران، نصاب شاهی را طی سنوات ۹۴۵ تا ۹۸۲ ق، «۱۲ نخود» یا به عبارتی دیگر، «۲/۳ گرم» دانسته است (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۱۷) که قرائن تاریخی و تجربیات مجموعه‌دارانی همچون نگارنده پژوهش حاضر، صحت ادعای وی را تأیید می‌کنند؛ لذا شایسته است که ارزش اسمی مسکوکات تولیدی در دَه‌دشت را «دو شاهی» (معادل ۱۰۰ دینار) بدانیم که طی دوران رواجشان (نیمه نخست عصر صفویه)، معمولاً با نام «محمودی» شناخته می‌شده‌اند (دیانت، ۱۳۶۷: ج ۲، ۲۴۲-۲۴۱) و از ارزشی برابر با «یک‌صدم تومان» برخوردار بوده‌اند. ناگفته نماند که نظر به نصاب تاریخی «مثقال صیرفی» یعنی «۲۴ نخود» یا همان «۴/۶ گرم» (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۷ / وثیق، ۱۳۸۷: ۲۴ / فلور، ۱۳۹۱: ۸۳)، شاهی در مقام مهم‌ترین یکای احصای نقد سیمین وقت کشور، دارای وزنی معادل نیم مثقال بوده است. مطلب تأمل‌برانگیز اینکه بنابر تصریح فرحبخش، درشت‌ترین سکه سیمینی که طی دوره سلطنت شاه طهماسب اول در ایران به ضرب می‌رسیده، همین دو شاهی (یک محمودی) بوده است (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۱۷)؛ نکته‌ای که مسلماً اهمیت مسکوکات مضروب در دَه‌دشت را برای ما مضاعف می‌نماید؛ زیرا ویژگی مذکور، مؤید حداقل یکی از فرضیات ذیل می‌باشد:

۱- میزان نقره موجود در ضرابخانه دَه‌دشت به قدری بوده که امکان تولید سکه‌های درشت را برای اولیای امور فراهم نموده است. این مسأله، می‌تواند بیانگر تمکن مالی معتابه حاکمان افشاری

و تاکنون بارها توسط «انتشارات کراوس» (واقع در شهر آیولای ایالت ویسکانسین آمریکا)^۱ به چاپ رسیده، اسامی بالغ بر ۶۰ دارالضرب ایران طی قرن هفدهم میلادی (از اواسط دوره سلطنت «شاه عباس اول» تا سنوات ابتدایی حکومت «شاه سلطان حسین صفوی») ذکر گردیده‌اند که نام دَه‌دشت نیز در میان آنها به چشم می‌خورد (Cuhaj, 2011: 1196-1197). سپس و در ادامه مباحث کتاب فوق، صدها نوع از مسکوکات ایرانی مضروب طی نیمه دوم عصر صفویه شناسانده شده‌اند که یکی از آنها، سکه سیمینی به ارزش «یک عباسی» (معادل ۲۰۰ دینار) و با وزن رسمی ۷/۶۸ گرم (= ۴۰ نخود) می‌باشد که به سال ۱۰۴۴ ق (مقارن با اواسط دوران سلطنت شاه صفی اول صفوی) در دَه‌دشت ضرب گردیده است (Cuhaj, 2011: 1201)؛ لیکن متأسفانه هیچ تصویر و حتی مشخصات دقیقی از نقوش این مسکوک، در منبع نامبرده درج نشده است. مع‌هذا، همین اشاره گذرا به دارالضرب بودن دَه‌دشت طی بخشی از عصر صفویه در کتاب مزبور، فی‌نفسه دارای اهمیت خاصی برای سکه‌پژوهان و تاریخ‌نگاران می‌باشد؛ خصوصاً اینکه شواهد متعدد سکه‌شناسی، مؤید چنین واقعیت مهمی هستند که «ضرابخانه‌های فعال دوره صفوی، بیشتر در غرب و شمال‌غرب ایران قرار گرفته بوده‌اند» (ثواقب و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۹)؛ نه در شرق، جنوب و یا حتی جنوب‌غرب کشور. بنابراین، تولید هرچند محدود مسکوکات سیمین صفویان در قصبه کهگیلویه (واقع در جنوب‌غربی ایران)، یقیناً نکته جالب‌توجه و تأمل‌برانگیزی برای سکه‌پژوهان معاصر محسوب می‌گردد.

مع‌الوصف، آنچه به‌واقع بستر ساز نگارش مقاله حاضر گردیده، عرضه ۹ قطعه مسکوک بسیار نادر از دَه‌دشت در یکی از پایگاه‌های اینترنتی تخصصی حراج سکه‌های تاریخی با نام «pashizcoins.com» بوده است که ظاهراً جملگی آنها، طی سنه ۹۴۹ ق به ضرب رسیده‌اند (منبع نامبرده، یک قطعه را جزماً و هشت قطعه دیگر را محتملاً تولیدشده در سال فوق دانسته) و هدف ما از تحریر پژوهش پیش رو، معرفی اجمالی این مسکوکات و تبیین اصلی‌ترین ویژگی‌های آنها می‌باشد. لازم به ذکر است که علی‌رغم نامشخص بودن زمان و چگونگی دستیابی گردانندگان این وبگاه خارجی به سکه‌های مزبور، می‌توان ادعا نمود که قطعات نه‌گانه مورد اشاره، حداقل برای سکه‌پژوهان ایرانی، «نویافته» محسوب می‌گردند. همچنین نبایستی از این نکته غفلت نمود که اهمیت حراج‌های برگزارشده در تارنمای انگلیسی‌زبان pashizcoins.com به‌حدی است که بسیاری از مسکوکات معروض در آن، حتی توسط دیگر مراجع

کهگیلویه و یا انتقال وجوه قابل ملاحظه‌ای از سوی لشکریان تحت امر شاه طهماسب به ده‌دشت باشد.

۲- نیاز قشون حاضر در حوالی کهگیلویه به نقود، آنچنان بوده که با ضرب مسکوکات مسین (فلوس) و یا حتی انواع سیمین خردتر از محمودی همچون «بیستی» (۲۰ دینار) و «یک شاهی» (۵۰ دینار)، تأمین نمی‌شده است. این مطلب، می‌تواند نشان‌دهنده کثرت افراد لشکر (با توجه به دشوار و گاه ناممکن بودن تولید شمار کثیری سکه خرد و توزیع آنها میان سپاهیان) و یا اقامت درازمدت آنان در نزدیکی ده‌دشت باشد.

۳- از آنجا که مسکوکات درشت، ظرفیت بیشتری را برای نقر مندرجات مفصل و خوانا دارند، چه‌بسا انگیزه ضرابان سکه‌های سیمین مورد بحث، نه صرفاً تأمین نقدینگی برای لشکریان مستقر در حوالی کهگیلویه، بلکه نقش‌نمودن «نام و القاب سلطان وقت» و عبارت «ضرب ده‌دشت» به‌صورتی کاملاً واضح بر آنها، در راستای ابلاغ خبر اعاده حاکمیت مقتدرانه و بی‌شائبه صفویان بر نواحی جنوب‌غربی ایران به اقصی نقاط کشور نیز بوده باشد؛ چنانکه یکی از مهمترین کارکردهای سنتی مسکوکات در ایران، قابلیت‌های تبلیغی آنها بوده که حکومت‌های مختلف را وامی‌داشته است تا تحولات بنیادین سیاسی را با «سکه‌زنی» به اطلاع عموم برسانند؛ لذا می‌توان ادعا نمود که حداقل طی برخی دوره‌های تاریخی، سکه به‌عنوان یک «بیانیه رسمی قدرت» نیز کاربرد داشته است (فیضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹).

نقوش و مندرجات سکه‌های سیمین صفوی مضروب در ده‌دشت

اصولاً در بررسی ویژگی‌های ظاهری مسکوکات ایرانی مضروب طی اوایل عصر صفویه، نخستین نکته‌ای که بایستی مورد امعان نظر پژوهشگران قرار گیرد، به‌کارگیری گسترده خط اسلامی «نسخ» در آنهاست که بعدها و طی روندی تدریجی، جای خود را به «نستعلیق» می‌دهد (راهنمای موزه بانک سپه، ۱۳۵۰: ۳۸)؛ چنانکه یکی از سکه‌پژوهان معاصر، در این باب تقریر نموده است:

«خطی که بر روی سکه‌های صفویان بکار رفته، متنوع بوده است. بر روی سکه‌های اولیه این سلسله مانند سکه شاه اسماعیل اول و سکه شاه طهماسب اول، خط نسخ دیده شده است ... سکه شاهان بعدی، به خط نستعلیق می‌باشد» (قائینی، ۱۳۷۵: ۸۰-۷۹).

فرح‌بخش نیز در این باره، دیدگاهی مشابه داشته و تصریح نموده است:

«در زمان شاه اسماعیل اول و طهماسب اول، نوشته‌های روی سکه‌ها عموماً بخط نسخ، ولی بعدها بخط نستعلیق بضرر رسیده‌اند. بطوریکه گفته می‌شود، چندین سکه در زمان شاه اسماعیل اول و طهماسب اول نیز بخط کوفی بضرر رسیده است» (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۴).

تردیدی وجود ندارد که نسخ، یکی از کهن‌ترین خطوط اسلامی و از جمله ابداعات هنری مسلمانان در نیمه نخست عصر عباسی می‌باشد؛ چنانکه بسیاری از محققان، «ابن مقبله» (خطاط سرشناس و وزیر حکومت بنی‌عباس طی اوایل سده چهارم هجری قمری) را مبدع آن دانسته‌اند (نامه دانشوران ناصری، ۱۳۴۵: ۱۳-۱۲ / مشیری، ۱۳۵۴: ۴۲-۴۳ / رفیعی مهرآبادی، ۱۳۴۵: ۱۳-۱۲ / مشیری، ۱۳۵۴: ۷ / ایرانی، ۱۳۶۳: ۹۲)؛ لیکن «حبیب‌الله فضائی» (خط‌شناس معاصر)، نظری متفاوت را در این خصوص ابراز داشته است:

«کثر رساله‌ها و تذکره‌ها و فرهنگ‌ها، ابن مقبله را واضع خط نسخ دانسته ... [اما] صحیح آنست که او، [خط مذکور را] اصلاح کرده و تحت قاعده و ضابطه آورده است» (فضائی، ۱۳۵۰: ۲۸۸-۲۸۷).
به هر تقدیر، نسخ همواره یکی از شاخص‌ترین خطوط اسلامی بوده و طی قرون متمادی، برای نگارش بسیاری از اسناد حکومتی، رسالات علمی، کتیبه‌های تزیینی و همچنین استنساخ قرآن کریم کاربرد داشته است. اما بی‌شک، پرشمارترین اسناد منقش به خط مزبور، مسکوکات سلسله‌های مختلف اسلامی از سده چهارم هجری قمری به بعد می‌باشند (قلی‌زاده، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶: ۷۲-۷۱).
علی‌ای‌حال، آنچه در این باب برای ما حائز اهمیت شایانی بوده، سکه‌های ایرانی مضروب طی سنوات ابتدایی سلطنت صفویان (خصوصاً نیمه نخست قرن دهم هجری قمری) است.

متأسفانه شدت فرسایش مسکوکات یافته‌شده از ده‌دشت، خوانش اغلب مندرجات آنها را بسیار دشوار نموده است؛ با این حال، حداقل سه نکته درباره مکتوبات سکه‌های مزبور مسلم می‌باشد:

۱- بر طرف روی تمامی مسکوکات نامبرده و در داخل یک قاب نسبتاً دوار، عبارات «شاه طهماسب / ضرب ده‌دشت / ۹۴۹» نقر گردیده‌اند (بنگرید به تصویر ۲)؛ لیکن مندرجات خارج از قاب که دایره‌وار بر سکه‌ها نقش بسته‌اند، چندان قابل قرائت نیستند؛ زیرا اولاً محرز می‌باشد که تمامی نقوش سرسکه‌های ضرابخانه ده‌دشت، بر این قطعات حک نگردیده است و لذا جمیع آنها به هنگام ضرب، اصطلاحاً

برجسته‌ترین سکه‌پژوهان معاصر، سلسله‌القباب خاصی را که برای دومین فرمانروای صفوی در مسکوکات مختلف وی استعمال شده‌اند، برشمرده (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۶) که بر اساس تقریرات محقق مزبور، یکی از پرکاربردترین القاب به‌کاررفته در سکه‌های شاه طهماسب اول، «ابوالمظفر» بوده است.

دچار «خطای خروج از مرکز»^۱ (بر اثر عدم قرارگیری صحیح پولک در میان دو سرسکه زبرین و زبرین) شده‌اند. ثانیاً صدماتی که بر اثر مرور زمان به سکه‌های مذکور وارد گردیده، موجب صعوبت در خوانش این قسمت از مندرجات آنها شده است. مع‌هذا، به نظر می‌رسد که بنابر رویه متعارف در مسکوکات شاه طهماسب اول صفوی، این بخش از سکه‌های مورد بحث، مزین به القاب شهریار مذکور بوده باشد که صرفاً یک لقب یعنی «ابوالمظفر» بر بعضی از آنها، تاحدی قابل قرائت است. بیان این مطلب ضرورت دارد که هوشنگ فرح‌بخش به‌عنوان یکی از



تصویر ۲. سکه نقره دو شاهی (یک محمودی) شاه طهماسب اول صفوی به وزن ۴/۶۱ گرم؛ مضروب در ده‌دشت به سال ۹۴۹ ق
(<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-tahmasp-i-ah-930-984-1524-1576-ar-shahi-deh-dasht-mint-ah949>)

حک گردیده است. البته ناگفته نماند که خوانش مکتوبات این طرف از سکه‌های مزبور، صرفاً به‌وسیله مقایسه مندرجات آنها با یکدیگر میسر شد (بنگرید به تصویر ۳)؛ زیرا به علت استهلاک شدید قطعات نامبرده، بخشی از نوشته‌جات هر کدامشان، کاملاً محو و ناخوانا گردیده است؛ چنانکه حتی این احتمال وجود دارد که شهادتین و یا حداقل عبارت «محمد رسول الله» نیز از جمله مکتوبات سرسکه‌های این مسکوکات بوده باشد که یا به درستی بر آنها ضرب نشده و یا غیرقابل قرائت است.

۲- بر سوی پشت مسکوکات نامبرده، دو گونه مندرجات را می‌توان قرائت نمود:

۱-۲- بر ۳ قطعه از سکه‌های مذکور، عبارت مقدسه «علی ولی الله» به‌عنوان بنیادین‌ترین شعار مذهب تشیع، همراه با «اسامی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)» دایره‌وار نقش بسته است (بنگرید به تصویر ۲). به عبارتی دیگر، نامهای مبارک هر کدام از امامان معصوم (صلوات‌الله علیهم اجمعین)، به‌صورت «تک‌واژه» بر این مسکوکات نقر شده‌اند و صرفاً برای ذکر اسم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، به‌جای لغت منفرد «علی»، عبارت «علی ولی الله»



تصویر ۳. سکه نقره دو شاهی (یک محمودی) شاه طهماسب اول صفوی به وزن ۴/۵۵ گرم؛ مضروب در ده‌دشت به سال ۹۴۹ ق
(<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-shah-tahmasp-i-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-ah949-rare-7>)

معمولاً هر سه شهادت مذهب حقّه تشیع (لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله) را بالاتفاق بر مسکوکات نقر می‌نمودند. ۲-۲ بر سایر سکه‌های یافته شده از ده‌دشت (۶ قطعه)، افزون بر اسامی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، تعبیر سه‌گانه «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» و «علی ولی الله» که می‌توان آنها را «شهادت ثلاثه» نامید، نقش بسته‌اند (بنگرید به تصویر ۴)؛ بدین صورت که نامهای مبارک امامان اثنی عشریه (علیهم‌السلام)، در حاشیه و سه شهادت، در مرکز این طرف از مسکوکات نقر گردیده‌اند؛ هرچند که به دلیل فرسایش شدید اغلب سکه‌های مورد بحث، اسامی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را صرفاً بر بعضی قطعات و آنهم به‌طور ناقص می‌توان قرائت نمود (بنگرید به تصویر ۵).

علی‌ای‌حال، ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که قدمت نقر جمله شریفه «علی ولی الله» بر مسکوکات ایرانی، بالغ بر ده قرن می‌باشد؛ چنانکه سکه‌ای از «باوندیان» (سلسله‌ای محلی در شمال ایران) یافته شده که منقش به این عبارت مقدسه و مضروب در اواسط سده چهارم هجری قمری است (سرافرازی، ۱۳۹۴: ۱۲). همچنین مسکوک زرینی از دوران حکومت آل بویه کشف گردیده که توسط یک فرمانروای ناشناس (ظاهراً مستقل از بویه‌یان)، به سال ۴۱۰ ق در بندر سیراف ضرب شده و مزین به شعار «علی ولی الله» است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۴۵۶). ناگفته نماند که طی عصر صفویه، چندان مرسوم نبود که عبارت مزبور را به‌تنهایی و یا صرفاً همراه با «محمد رسول الله» بر سکه‌های ایران درج کنند؛ بلکه



تصویر ۴. سکه نقره دو شاهی (یک محمودی) شاه طهماسب اول صفوی به وزن ۴/۴۹ گرم؛ مضروب در ده‌دشت به سال ۹۴۹ ق
(<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-shah-tahmasp-i-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-ah949-rare-5>)



تصویر ۵. سکه نقره دو شاهی (یک محمودی) شاه طهماسب اول صفوی به وزن ۴/۵۰ گرم؛ مضروب در ده‌دشت به سال ۹۴۹ ق
(<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-shah-tahmasp-i-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-ah949-rare-4>)

در راستای جلب نظر مساعد طبقات اجتماعی این کشور نسبت به خود می‌باشد.

در خاتمه پژوهش حاضر، بایستی این نکته را خاطر نشان نماییم که نگارنده علی‌رغم تفحص فراوان در منابع تخصصی، متأسفانه تاکنون به شواهد خاصی پیرامون ضرب مسکوکات مسین در ده‌دشت، دست نیافته است؛ خصوصاً اینکه در کتاب «سکه‌های مسی ایران، فلوس دوره‌های صفوی تا قاجار» (تألیف بهرام علاءالدینی) نیز که معرف صدها مسکوک مسین مضروب در تقریباً ۵۰ دارالضرب مختلف کشورمان می‌باشد (علاءالدینی، ۱۳۹۱: ۹)، هیچ سکه‌ای از ناحیه کهگیلویه شناسانده نشده است.

نتیجه

طی عصر صفویه که مسکوکات ایران به شیوه سنتی و در ولایات مختلف ضرب می‌گردیدند، اغلب ضربخانه‌های کشور در شهرهای بزرگ و مراکز عمده جمعیتی قرار داشتند؛ لیکن گهگاه وقوع برخی رخدادها بر جسته سیاسی-نظامی، منجر به شکل‌گیری موقت ضربخانه‌ای جدید در یکی از شهرهای متوسط یا حتی کوچک و فعالیت معمولاً کوتاه‌مدت آن می‌شد. بر همین اساس و در حالی که قرن دهم هجری قمری به نیمه خود نزدیک می‌گردید، حادثه‌ای بسیار مهم که حاکمیت و اقتدار سیاسی شاه طهماسب اول صفوی را در بخشی از مناطق جنوب‌غربی ایران به مخاطره انداخته بود، مقدمات تشکیل یک ضربخانه نوین را در ناحیه کهگیلویه فراهم نمود. این واقعه، سرپیچی حاکم دزفول (علاءالدوله) از انقیاد در برابر حکومت مرکزی بود که طی یکی از سالهای ۹۴۸ (بنابر روایت

برخلاف نقر منفرد «علی ولی الله» که هیچگاه در سکه‌زنی ایران امری فراگیر نبود، حک نمودن همزمان سه عبارت نامبرده بر مسکوکات ایرانی، از سده هشتم هجری قمری تدریجاً متداول گشت؛ چنانکه سکه‌های متنوع و متکثری از سلسله‌های حکومتی مختلف همچون ایلخانان (فروغیان، ۱۳۹۵: ۲۵۶)، سربداران (اسمیت، ۱۳۶۱: ۲۵۹-۲۵۸)، گورکانیان، قراقویونلوها و آق‌قویونلوها (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۵: ۱۸ و ۴۷-۴۸) یافته شده‌اند که مزین به شهادت‌های ثلاثه هستند؛ لیکن تردیدی وجودی ندارد که سالهای سلطنت خاندان صفویه، دوران اوج به‌کارگیری این تعبیر سه‌گانه در مندرجات مسکوکات ایران می‌باشد (فیضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸)؛ چنانکه بنابر تقریرات پیشین ما، اغلب سکه‌های به‌دست‌آمده از ده‌دشت نیز مزین به همین عبارات مقدسه هستند.

نکته بسیار خطیر اینکه، علی‌رغم تلاش ناصواب «نادرشاه افشار» (حک: ۱۱۶۰-۱۱۴۸ ق) برای منسوخ نمودن استعمال تعبیر شیعی در مسکوکات کشورمان، مجدداً و از دوران حکومت زندیان، شاهد نقر شهادت‌های ثلاثه بر بسیاری از سکه‌های زرین و سیمین ایران هستیم؛ تا آنجا که علاوه بر کریم‌خان زند (حک: ۱۱۹۳-۱۱۶۳ ق) و جانشینانش، حتی مدعی سرسخت تاج‌وتخت یعنی «محمدحسن‌خان قاجار» (حک: ۱۱۷۲-۱۱۶۳ ق) نیز این تعبیر مقدسه را بر مسکوکات خویش نقر نموده است (مشیری، ۱۳۵۱: ۶-۱۰ / حسینی، ۱۳۹۹: ۵۵، ۱۰۷ و ۱۶۹) که این نکته، آشکارا حاکی از نفوذ عمیق باورهای شیعی در میان عموم ایرانیان و کوشش مجدانه مدعیان قدرت برای بهره‌گیری از اعتقادات مزبور

گردن‌کشان و جدایی‌طلبان بوده تا بدین‌وسیله، از تجدید یاغی‌گری علیه صفویان در صفحات جنوب‌غربی کشور، ممانعت به عمل آید.

منابع

- اسمیت، جان ماسون (۱۳۶۱)، **خروج و عروج سربداران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۴)، **تاریخ منتظم ناصری**، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دبای کتاب.
- افشار سیستمی، ایرج (۱۳۶۹)، **نگاهی به خوزستان: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیائی، اجتماعی، اقتصادی منطقه**، تهران: نشر بلور.
- ایرانی، عبدالمحمد (۱۳۶۳)، **پیدایش خط و خطاطان**، تهران: یساولی.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۷۱)، **سلسله‌های اسلامی**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- بختیاری، سعید (۱۳۹۲)، **اطلس جامع گیتاشناسی ۹۳-۹۲: راهنمای کامل جهان امروز**، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- بهشتی، حسین (۱۳۲۴)، «ابن‌مقله، مخترع خط نسخ»، **جلوه**، منتخب شماره‌های ۱، ۲ و ۳، ۴۸-۴۲.
- تربای طباطبائی، سید جمال (۱۳۵۵)، **سکه‌های آق‌قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران**، تبریز: اداره کل موزه‌ها.
- تربای طباطبائی، سید جمال (۱۳۵۰)، **سکه‌های شاهان اسلامی ایران**، تبریز: بی‌نا.
- تقوی مقدم، سید مصطفی (۱۳۷۷)، **تاریخ سیاسی کهگیلویه**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ثواب، جهان‌بخش و دیگران (۱۳۹۵)، «روند دگرگونی نقوش و شعار مذهبی بر روی سکه‌های دوره صفوی»، **تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام**، سال ششم، شماره دوازدهم، ۱۱۱-۶۳.
- جعفری، عباس (۱۳۸۴)، **گیتاشناسی ایران**، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- حسینی، سید رضا (۱۳۹۹)، **واحد‌های پولی ایران در عصر قاجار**، تهران: پایزنه.
- حسینی استرآبادی، حسن بن مرتضی (۱۳۶۶)، **تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی**، به کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۷۸)، **فارس‌نامه ناصری**، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- حکیم، محمدتقی بن محمدهادی (۱۳۶۶)، **گنج دانش: جغرافیای تاریخی شهرهای ایران**، به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، تهران: زرین.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، **فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها**، تبریز: نیما.
- راهنمای موزه بانک سپه (۱۳۵۰)، تهران: بانک سپه.

مورخانی همچون روملو و اعتمادالسلطنه) و یا ۹۴۹ ق (بر اساس گزارش تاریخ‌نگارانی مانند عبدی‌بیگ شیرازی، غفاری قزوینی، حسینی استرآبادی و حسینی فسایی) رخ داد و موجب حرکت لشکر عظیمی تحت فرماندهی مستقیم شاه به جانب خوزستان شد. از آنجایی که بخش مهمی از سپاهیان اعزامی به حدود دزفول، تحت امر ابراهیم‌خان (حاکم شیراز) بوده و از مسیر بهبهان (واقع در نزدیکی دزدان) عبور نموده‌اند، به نظر می‌رسد که تأسیس ضربخانه کهگیلویه و ضرب شماری مسکوک سیمین در دزدان، به‌منظور تأمین نفوذ مورد احتیاج لشکریان مزبور صورت گرفته است؛ خصوصاً اینکه شاه طهماسب پس از سرکوبی علاءالدوله، به ابراهیم‌خان مأموریت می‌دهد که چند صباحی در خوزستان بماند و تعدادی از یاغیان عرب آن خطه را گوشمالی دهد؛ لذا یافته‌شدن تعداد خیلی سکه مضروب در دزدان که ظاهراً همگی طی سنه ۹۴۹ ق تولید گردیده‌اند، می‌تواند مؤید فعالیت ضربخانه شهر مزبور، متأثر از عملیات نظامی ابراهیم‌خان (در حوالی همان سال) باشد؛ لیکن نایبستی از این نکته غفلت نمود که ضرب مسکوکات دو شاهی (به‌عنوان درشت‌ترین سکه‌های سیمین وقت ایران) در دزدان، علاوه بر رفع نیاز لشکریان به حجم قابل‌ملاحظه‌ای از نفوذ، کارکرد سیاسی خاص خود را نیز داشت؛ زیرا دست‌به‌دست‌شدن سکه‌های مذکور میان مردمان ساکن در نواحی جنوب‌غربی کشور، حاوی این پیام خطیر بود که پس از سرکوب مقتدرانه والی متمرّد دزفول، حاکمیت صفویان بر این بخش از ایران اعاده گردیده است و صداًلبته که چنین امری، اقتدار خدشه‌دارشده حکومت مرکزی را در اذهان عموم اهالی منطقه بازسازی نموده و برای شخص شاه طهماسب اول، نوعی بازدارندگی سیاسی در برابر یاغیان محلی و طغیانهای محتمل آتی ایجاد می‌کرد.

همچنین، مطلب مهم دیگری که نباید آن را از نظر دور داشت اینکه ضربخانه موقت دزدان، مسکوکات خود را با رعایت اغلب معیارهای سکه‌زنی صفویان به ضرب رسانده است؛ چنانکه جمیع سکه‌های سیمین مزبور، دارای وزنی معادل یک مثقال (نصاب وقت محمودی)، منقش به نام سلطان عصر (شاه طهماسب اول) و مزین به عبارات شیعی (شامل «اسامی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)» همراه با «شهادت ثلاثه» و یا صرفاً شعار «علی ولی الله») می‌باشند. ضمناً برای نقر مندرجات آنها، از خط نسخ (مشابه اغلب مسکوکات وقت صفوی) استفاده شده است. چنین به نظر می‌رسد که اعمال ضوابط فوق، در راستای ابلاغ پیام وحدت سیاسی ایران به

فلور، ویلم ام (۱۳۹۱)، *اوزان و مقیاس‌ها در عصر قاجار*، ترجمه مصطفی نامداری‌منفرد، تهران: آبادیوم.

فیضی، فرزاد و دیگران (۱۳۹۵)، «تأثیر باورها و آموزه‌های شیعی بر ترزینات سکه‌های دوره صفوی»، *فصلنامه جندی‌شاپور*، سال دوم، شماره ۸، ۱۳-۲۳.

قائینی، فرزانه (۱۳۷۵)، «سکه‌شناسی دوره صفویه (بر اساس اوضاع مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی دوره صفویه)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، به‌راهنمایی سوسن بیانی، دانشگاه تربیت‌مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

قلی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶)، «سیر تحول خوشنویسی در سکه‌های اسلامی از قرن اول تا هشتم هجری قمری»، *باستان‌پژوه*، سال هفدهم و هجدهم، شماره ۲۲ و ۲۳، ۶۷-۸۰.

کریمی، بهمن (۱۳۱۶)، *جغرافی مفصل تاریخی غرب ایران*، تهران: شرکت چاپخانه فرهنگ.

گاثوبه، هاینس (۱۳۵۹)، *ارجان و کهگیلویه: از فتح عرب تا پایان دوره صفوی*، ترجمه سعید فرهودی، تحشیه و تصحیح و تنظیم فهارس: احمد اقتداری، تهران: انجمن آثار ملی.

لشگرآرا، فرهاد و دیگران (۱۳۹۴)، «شناسایی عوامل مؤثر در عدم مشارکت مرتجع‌داران در اجرای طرح‌های مرتجع‌داری شهرستان کهگیلویه»، *مرتجع و آبخیزداری*، دوره ۶۸ شماره ۱، ۴۶-۳۵.

لین‌پول، استنلی (۱۳۶۳)، *طبقات سلاطین اسلام با جداول تاریخی و نسب‌های ایشان بضمیمه مقدمات تاریخی راجع به سلسله*، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب.

مشیری، محمد (۱۳۵۴)، *راهنمای خواندن انواع خطوط کوفی: بر روی سکه‌ها، کتیبه‌ها، کتب، سفال، فلزکاری و غیره*، تهران: مؤسسه سکه‌شناسی ایران: مؤسسه انتشارات اشرفی.

مشیری، محمد (۱۳۵۱)، *سکه‌های آقامحمدخان قاجار و پدرش محمدحسن‌خان قاجار*، تهران: گوتنبرگ.

منشی، اسکندربیک (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

مینورسکی، ولادیمیر فتودوروویچ (۱۳۳۴)، *سازمان اداری حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکره‌الملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، با حواشی و فهرس و مقدمه و امعان‌نظر سید محمد دبیرسیاقتی، تهران: کتابفروشی زوار.

نامه دانشوران ناصری در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی (۱۳۳۸)، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

واله اصفهانی، محمدیوسف بن حسین (۱۳۷۲)، *خلد برین (ایران در روزگار صفویان)*، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

وثیق، منصوره (۱۳۸۷)، *دنانیر: سیر دینار در تاریخ پولی ایران*، تبریز: ستوده.

رزم‌آرا، حاجعلی (۱۳۲۳)، *جغرافیای نظامی ایران: فارس*، تهران: چاپخانه ارتش.

رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۳۰)، *فرهنگ جغرافیائی ایران*، تهران: دایرة جغرافیایی ستاد ارتش.

رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۴۵)، *تاریخ خط و خطاطان*، تهران: امیرکبیر. روشنفکر، محمدمهدی و معینی رودبالی، رضا (۱۳۹۹)، «تحلیل نقش سیاسی-نظامی کهگیلویه در دوره صفوی»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال هشتم، شماره پیاپی ۱۶، ۷۷-۹۲.

روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، *احسن‌التواریخ*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.

زامبور، ادوارد فون (۱۳۵۶)، *نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام*، ترجمه و تحشیه: محمدجواد مشکور، تهران: کتابفروشی خیام.

سحاب، محمدرضا (۱۳۸۴)، *اطلس عمومی ایران و جهان (سیاسی، طبیعی، اقتصادی، مصور)*، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.

سرافرازی، عباس (۱۳۹۴)، «شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان»، *شیعه‌شناسی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۷-۲۶.

سلیمانی، سعید (۱۳۹۶)، *تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران (قرون سوم و چهارم ه.ق)*، تهران: برگ‌نگار.

شیرازی، عبدی بیگ (۱۳۶۹)، *تکملة الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری)*، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نی.

طهماسب صفوی (۱۳۴۳ ق)، *تذکره شاه طهماسب: شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه طهماسب صفوی بقلم خودش*، برلین: چاپخانه کاویانی.

عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷)، *دارالضربهای ایران در دوره اسلامی*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۱)، *سکه‌های مسی ایران، فلوس دوره‌های صفوی تا قاجار*، تهران: یساولی.

غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳)، *تاریخ جهان‌آرا*، به‌همت و سعی مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی حافظ.

فرحبخش، هوشنگ (۱۳۸۵)، *راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی) ایران از سال ۹۰۰ تا ۱۲۹۶ هجری قمری (۱۵۰۰ تا ۱۸۷۹ میلادی)* شامل دوره‌های صفویه - افغان - افشاریه - زندیه - قاجاریه، تهران: فرحبخش.

فرست شیرازی، محمدنصیر بن جعفر (۱۳۱۴ ق)، *آثار عجم*، بمبئی: مطبع ناصری.

فروغیان، صدیقه (۱۳۹۵)، *موزه بانک سپه*، تهران: اداره کل روابط عمومی بانک سپه.

فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۵۰)، *اطلس خط*، اصفهان: انجمن آثار ملی اصفهان. فلسفی، نصرالله (۱۳۴۷)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: دانشگاه تهران.

Cuhaj, George S (2011), *Standard Catalog of World Coins 1601-1700*, 5th Edition, Iola: Krause.

<https://www.numisbids.com/n.php?p=lot&sid=5881&lot=205>

<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-shah-tahmasp-i-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-ah949-rare-4>

<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-shah-tahmasp-i-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-ah949-rare-5>

<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-shah-tahmasp-i-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-ah949-rare-7>

<https://www.pashizcoins.com/product/safavid-tahmasp-i-ah-930-984-1524-1576-ar-shahi-dehdasht-mint-ah949>

https://www.pashizcoins.com/?s=deh+dasht&post_type=product

https://www.sarc.auction/AQ-QOYUNLU-Rustam-1492-1497-AR-tank-a-5-13g-Kuhgiluya-Kohgiluyeh-AH899_i51849040